خراسان بزرگ:سال چهارم،شماره(۱۱)، تابستان ۱۳۹۲
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.4, No. 11, Summer 2013

بررسی باستان شناختی بر تدفین‌های سنگی بلوچستان (جنوب شرق ایران)

روح‌الله شیرازی [۱]، دکتر علیرضا عسکری چاوردی [۲]، سامان فرزین [۳]، عابد تقوی [۴]

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۳۱
تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۴

چکیده

پژوهش های باستان شناسی نشانگر آن است که نوعی از تدفین سنگی در منطقه جنوب و جنوب شرق ایران و جنوب غرب شبه قاره هند (بلوچستان پاکستان) رواج داشته است. در بررسی های باستان شناسی جدید که در جنوب مکران (نیکشهر و چابهار) انجام شده، نمونه های فراوانی از این نوع تدفین را آشکار ساخته است. در بین محوطه های شناسایی شده، بزرگترین و شاخصترین آنها محوطه دمب کوه در دشت باهو کلات می باشد. یکی از ویژگی های شاخص این قبور، تنوع در ساختارهای تدفین و نیز الگوی پراکندگی آنها می باشد. از لحاظ گاهنگاری در پژوهش های موجود، این قبور را به دوره پارتیان نسبت داده اند. که این تاریخگذاری بر مبنای شواهد سکه شناسی است که اشتاین در کاوش های دهه ۱۹۳۰ ارائه نموده است.
پژوهش حاضر با ارائه شواهد جدید باستان شناسی از قبیل: طبقه بندی ساختار قبور و گونه شناختی نمونه های سفالین به معرفی، دسته بندی و ارائه گاهنگاری نسبی این سنت تدفین می پردازد و تاریخگذاری پارتی آن را تایید می نماید.

واژگان کلیدی:
تدفین های سنگی، مکران، پارتیان، سنت های تدفین، گاهنگاری

---

۱. دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲. استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی دانشگاه شیراز
۳. نویسنده مسئول : دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه مازندران
Email: Saman_farzin2006@yahoo.com
۴. استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه مازندران

مقدمه

یکـــی از منابع مهم در جهت شـــناخت مذاهـــب، فرهنگ و کارکردهای پیشـــینیان، مطالعه تدفین های انجام شـــده در گورهای باستانی است. تدفین در گذشـــته بخشی از فرهنگ معنوی و مادی یک قوم محسوب می شود و در هر منطقه و در نزد هر قومی از ویژگیهای خاصی برخوردار است و از آن جا که نحوه خاکسپاری برخاسته از تفکرات، عقاید و فرهنگ جامعه است، بنابراین با بررسی این شـــیوه ها می توان به شناسایی و بازسازی فرهنگ جوامع باستان پرداخت و همچنین پژوهش بر روی تدفینها یکـــی از بهترین راههای مطالعـــه تأثیر و تأثر تمدنهای همجوار در طول تاریخ بشـــری اســـت. تحقیق این مهم با مطالعه در شـــیوه های تدفین عملی می گردد(محمدی فر، ۱۳۸۸:۵۶).

بلوچســـتان یکی از نقاطی اســـت که بر ســـر راه مهاجرت نخستین گروههای انســـانی از افریقا به سوی شرق آسیا قرار داشـــته و از این رو یکی از مناطق مهم و کلیدی برای تحقیق در مورد شکلگیری نخستین جوامع انسانی به شمار میرود. دره بمپور که در منطقه بلوچســـتان قرار دارد، یک شاهراه طبیعی اســـت که این شـــاهراه به غرب در طول رودخانه بمپور امتداد یافته اســـت و به عنوان یکی از حلقههای اصلی ارتباطی بین شـــرق و غرب ایفای نقش مینموده اســـت(Stein, ۱۹۳۷: ۵۹-). موقعیت خاص منطقه که بر ســـر راه ارتباطی شرق به غرب (هند به بینالنهرین و مصر) قرار گرفته اســـت، موجبات شـــکوفایی تمدنهایی را به وجود آورد که در برههای از زمان به عنوان حلقهـــی ارتباطی بیـــن مناطق فـــوق ایفای نقش مینمودهاند. این محوطهها در محیط طبیعی تقریباً ناپایداری رشـــد کرده بودند که به واســـطهی حلقهی ارتباطی بزرگ و بزرگتر شدند.اســـاس کار این پژوهش متمرکز بر روی شیوه گورســـنگی (Cairn Burial) در منطقـــه مکران جنوبی (شهرستان های نیکشهر و چابهار) در بلوچستان ایران است و نکته قابل ذکر اینست که این نوع تدفین تاکنون فقط در جنوب و جنوب شرق ایران تا حاشیه خلیج فارس دیده شده است و در خارج از ایران هم در پاکســـتان، عمان و سواحل جنوبی خلیج فارس مشاهده شده اســـت. این قبور معمولا در دامنه تپهها و صخرهها کنده و ساخته شده اند و از لحاظ ساختاری به صورت مدور یا بیضی شکل است که با انبوهی از سنگ روی آن را می پوشانند و تمامی این قبور دارای نوعی سفال خشن است. علت تاریخگذاری آن به دوره اشکانیان، پیدا شدن یک سکه مسی متعلق به ســـناتروک مربوط به سالهای ۷۰-۷۷ق.م است که در منطقه دامبی کوه (Dambi-Koh) در بلوچستان ایران که از مهمترین ســـایت های تدفین توده سنگی در ایران است یافت شده است می باشد(Karlovsky:۲۵۳, ۱۹۶۷) و این قبور در منطقه بلوچستان معروف به دامبی هستند.

با انجام بررسی جدید باستان شـــناختی به سرپرستی روح الله شیرازی طی ســـالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در منطقه بلوچستان و خصوصا در منطقـــه مکران، گونه های ســـاختاری این قبور و همچنین الگوی پراکندگی آنها به همرا نمونه های ســـفالین جهت گاهنگاری نســـبی قبور از محوطه گورستان ها بدست آمد که در این مقاله به معرفی و تحلیل این داده ها می پردازیم.

حوزه منطقه مورد مطالعه:

با توجه به مطالعات انجام شده درباره پراکندگی چگونگی شیوه های تدفین در ایران در دوره پارت به این نتیجه رســـیدیم که تمرکز خود را بر بلوچســـتان و منطقه مکران جنوبی قرار دهیم که بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان را شامل می شود . این بخش شامل شهرستان های نیکشهر که این شهرستان در جنوب غربی بلوچســـتان بین مدار ۲۵ درجـــه و ۴۵ دقیقه تا ۲۷ درجه و ۲ دقیقه عرض شـــمالی و ۵۸ درجـــه و ۵۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۵ دقیقه طول شـــرقی واقع شده است. و چابهار در جنوب شرقی ترین نقطه ایران در فاصله ۶۰ تا ۶۱ درجه طول شرقی و ۲۵ تا ۲۶ درجه عرض شـــمالی ، قرار گرفته است. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان ســـرباز و نیکشهر، از شرق به کشور پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از غرب به شهرستان کنارک محدود است (نقشه ۱)

پیشینه تحقیقات باستان شناســـی بر روی قبور سنگی بلوچستان

نخســـتین بار یک انگلیســـی به نام میجر موکلر با ســـفر به بلوچستان و بازدید از محوطه دمبی کوه، شرح مشاهدات خود را در ســـال ۱۸۷۷ در مجلۀ انجمن ســـلطنتی آسیایی انگلیس منتشـــر نموده اســـت. حدوداً شصت و پنج ســـال پس از وی، سراورل مارک اشـــتاین براســـاس اطلاعات ارائه شده توسط موکلر در جریان سفر خود به بلوچســـتان از محوطه دمبی کوه دیدن نموده و مطالعـــات تقریباً مفصّل و منظّمـــی را بر روی این محوطـــه انجام داده اســـت.. هدف علمـــی او این بود که وابســـتگیهای فرهنگی میان تمدنهای دره سند با غرب ایران و میانـــرودان را درک کند و تاثیرهای دوگانه را مورد بررســـی قراردهد. گرچه بررســـیها و کاوشهای اشـــتاین بیشتر حالت گردآوری داشـــت اما ایـــن مطالعات اهمیت بســـیاری برای شناساندن این منطقه داشـــت. (Stein, ۱۹۳۷: ۵۹-۱۸۰). از حـــدود ۵۱۰۰ قبـــری که اشـــتاین گزارش کـــرده بیش از ۳۰۰۰ مورد از آنها در دشتهای بلوچســـتان واقع شدهاند(سید سجادی ،۱۳۸۳: ۳۰). لمبرگ کارلوفسکی هم در سال ۱۹۶۷ در بررسی خود در جنوب شـــرق ایران، تعداد بسیار زیادی را از

این نمونه از تدفیـــن ها گزارش می کنـــد و بعضی از محوطه های دارای قبور ســـنگی را شناســـایی می کند و در مقاله خود با عنوان قبور ســـنگی در جنوب شـــرق ایران بـــه معرفی می پردازد. (Karlovsky, ۱۹۶۷). پس از آن تاکنون هیچ گونه تحقیق کامل و جامعی از این نمونه از نحوه خاکسپاری صورت نگرفته است تا اینکه در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، روح الله شیرازی با بررسی روشمند در منطقه بلوچستان توانست محوطه های کلیدی و شاخص را به همراه داده های آن ها شناسایی و ثبت و ضبط نماید(شیرازی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹). لازم به ذکر است که نگارنده با عضویت در تیم بررســـی و اجازه از سرپرست هئیت، مطالعه بر روی این قبور را به انجام رسانیدم.

روش تحقیق:

روش انجام این پژوهش نظری و به صورت میدانی می باشد. در ابتدا به صورت کامل و دقیق نسبت به شناسایی منابع و جمع آوری و استخراج اطلاعات و مدارک و گزارش های حفریات و بررسی های باستانشناسی اقدام شد، در مرحله روش میدانی، ابتدا نقشه های ۱:۵۰۰۰۰ از محل مورد بررسی تهیه گردید و پس از بررســـی محوطه های دارای تدفین به تفکیک صورت پیمایش محوطه به محوطه توسط نگارندگان صورت پذیرفت و تمامی قبور مربوط به دوره اشـــکانی در منطقه نیکشـــهر و چابهار به همراه داده های جمع آوری شده ثبت و ضبط گردید. و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت تهیه فیش، جدول، طرح، نقشه و جدول بوده است.

طبقه بندی و گونه شناسی قبور سنگی بلوچستان

طی بررسی باستان شـــناختی که در شهرستان های نیکشهر و چابهار صورت گرفت، تعـــداد ۲۵ محوطه دارای تدفین های اشکانی شناسایی شد. با مطالعه همه جانبه ریخت شناسی این قبور، به این نتیجه رســـیدیم که، فرم قبور سنگی به دو دسته کلی مربع (شکل ۱)و مدور (شـــکل ۲) تقسیم می شود البته در موارد اندکی هم فرم این قبور بیضی است و در ساختمان آن ها از سنگ های موجود در محل، بدون هیچ ملاتی استفاده شده است. این قبور از نظر ســـاختمانی به دو روش مختلف ساخته شده اند:

گورهای ساده و چهار گوش به همراه درب ورودی

گورهای نا منظم و به صورت بیضی شکل (شکل ۴)

این گورهـــا بر روی دامنه کـــوه پراکنده شـــده اند برخی از گورهای سنگی دارای دیوارهای مســـتطیل است که با تخته ســـنگ های نامنظم پوشـــیده و بلندی آنها به طور میانگین از ســـطح زمین های اطراف بین ۱/۲۰ تا ۱/۵۰ متر است. سقف قبور که با ورقه های نا منظم ســـنگی درســـت شـــده با خاک پوشیده شده است.

یک ســـوی دیوارها معمولا دارای بخشی اســـت که نیمه باز اســـت و شـــبیه در ورودی قبر است (شـــکل ۵). سنگ های دیوارهای قبور دامب کوه بدون ملاط روی یکدیگر چیده شده بودند و به همین ســـبب امروز به کلی خراب شـــده و از شکل اصلی خود خارج شـــده اند.. قطر متوسط دمبی ها بین ۳ تا ۳,۵ متر در نوســـان اســـت و ارتفاع باقی مانده آنها به طور تقریبی بین ۵۰ تا ۷۰ ســـانتیمتر اســـت. هســـتند برخی از این قبور تا ارتفاع حدود نیم متر ســـالم مانده و برخی دیگر دچار تخریب طبیعی شـــده و فرم اصلی خود را از دست دادهاند. سنگ های این قبور به صورت خشـــکه چین روی هم قرار گرفته اند و بر اثر فرســـایش طبیعی و انسانی ســـنگ های آن از جای اصلی خود جابجا شده و در اطراف ســـازه اصلی پراکنده شده اند. این موضوع خود حاکی از بیشتر بودن ارتفاع واقعی این گونه سازه ها در دوره اشکانی اســـت، که نمونه های سالم تر آن از مناطق باهوکلات به خصوص محوطه دمب کوه بدســـت آمده است. (شکل ۶و ۷)

ســـنگهای به کار رفته در ســـاخت این دمبیها ، قلوه سنگهای نسبتا بزرگ کف رودخانه است که بر اثر مرور زمان به صورت سیاه کدر درآمدهاند.نحوه قرارگیری قبور متفاوت است و اکثر این دمبیها دارای جهت شمالغربی—جنوبشرقی هستند.

با توجه به نکات ذکر شده می توان استدلال کرد که با توجه به متعدد بودن شـــیوه های تدفین دوره اشکانیان در ایران، در منطقه بلوچســـتان ایران فقط یک نمونـــه از آن که معروف به گورسنگی (Cairn burial) است که در بلوچستان به این شیوه تدفین دمبی یا دامبی نیز می گویند، کشف و ثبت گردیده است

الگوی استقرار قبور

درباره شرایط زیســـت محیطی و تاثیر آن بر پراکندگی الگوی اســـتقرار قبور، به طور قطع می توان اذعان کرد که عامل آب و وجود کوهستان های صخره ای، نقش عمده ای در پراکندگی این نوع از شیوه تدفین داشته است با بررسی باستان شناختی و محیطی در اطراف این گورستان ها، این نظریه متصور می شود که، عمدتا گورستان های متعلق به دوره اشکانی در مجاورت یا نزدیکی منابع آب قرار دارند و نشان از یک استقرار کوچرو دارد. وجود رودخانه های بزرگی همچون بمپور و رودخانه ســـرباز، پتانسیل خوبی را برای اســـتقرار گروه های انســـانی در ادوار مختلف تاریخی ایجاد کرده اســـت. با توجه بـــه اینکه قبور در شرایط زیست محیطی تقریبا یکسانی هستند، می توان نتیجه گرفت که اقلیم و زیست بوم در این شیوه تدفین نقش بسزایی داشته است.

جدول شماره ۱- مشخصات محوطه های دارای تدفین سنگی

ردیف	شماره و نام مکان	نشانی		مختصات جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا (متر)	مساحت (به متر مربع)	دوره پیشنهادی
	نام	دهستان	بخش	طول جغرافیایی(E)	عرض جغرافیایی(N)			
۱	گیمک	مرکزی	بنت	۶۱-۱۱-۳۸۸	۲۵-۳۴-۳۴۴	۲۲	۸۷۰۰	پارتی
۲	چشنگر	توتان	بنت	۶۱-۱۱-۵۵۴	۲۵-۳۴-۵۷۸	۲۲	۹۴۳۰۰	پارتی
۳	قبرستان چیدگی	دستگرد	بنت	۶۱-۱۰-۷۴۳	۲۵-۳۵-۳۲۰	۲۵	۵۰۰۰	پارتی
۴	قبرستان توتان	توتان	بنت	۶۱-۱۲-۱۲۶	۲۵-۳۴-۶۸۲	۸	۴۶۰	پارتی
۵	دمبان تمپ چگرد	لاشار شمالی	لاشار	۶۱-۰۲-۰۰۱	۲۵-۳۷-۱۲۸	۳۳	-	پارتی
۶	سورمیچ بالا	لاشار شمالی	لاشار	۶۱-۰۲-۴۰۲	۲۵-۳۷-۱۵۸	۲۹	۲۴۰	پارتی
۷	کلات بگ	چانف	لاشار	۶۱-۰۴-۷۲۸	۲۵-۳۳-۸۶۹	۵۳	۵۸۹	پارتی
۸	دمبان شهریانچ	چانف	لاشار	۶۱-۰۴-۶۷۸	۲۵-۳۳-۶۲۵	۳۰	۱۵۶	پارتی
۹	جک بونان	چانف	لاشار	۶۱-۰۸-۲۹۹	۲۵-۳۴-۲۵۴	۲۳	۱۲۳۵	پارتی
۱۰	موسپنتان	هلونچکان	قصرقند	۶۰-۵۸-۹۹۵	۲۵-۴۷-۶۶۷	۳۹	۱۰۸۰۰	پارتی
۱۱	قبرستان دپ چوگری	هلونچکان	قصرقند	۶۱-۰۰-۶۶۷	۲۵-۴۷-۸۴۹	۴۷	۲۸/۳۶	پارتی

۱۲	زیارت جنگل ۳	هلونچکان	قصرقند	۶۱-۰۶-۴۴۲	۲۵-۴۸-۰۹۲	۴۸	۵۰۱۰	پارتی
۱۳	دمبی کوپانسر ۱	پلان	پلان	۲۵-۴۶-۸۶۴	۶۱-۲۸-۴۷۸	۲۳	۹۰۰	پارتی
۱۴	دمبی کلات کوه	بسوت	باهوکلات	۲۵-۳۵-۷۲۷	۶۱-۲۱-۳۴۳	۳۶	۱۳۸۹۰	پارتی
۱۵	دمبی کوه	بسوت	باهوکلات	۶۱-۲۲-۰۹۵	۲۵-۳۱-۶۳۱	۱۷	۱۹۵۰۰۰۰	پارتی

طبقه بندی و گونه شـــناختی سفال های بدست آمده از سطح قبور

ســـفال دوره پارت در منطقه بلوچســـتان بطور کلی یه سه گروه تقسیم می شـــود: . اولین گروه سفال های این حوزه، معمولا منقوش بـــوده و گاهی یک رنگ یـــا دو رنگ و از لحاظ تکنیک ســـاخت، از ظرافت قابـــل توجهی برخوردار است. بدنه سفال با پوشش لعاب گلی نخودی و نقش های سیاه یا قرمز تزیین شـــده که لوزی هاف خطوط زیگزاگ و نقش های خطی نردبانی موضوع این نوع سفال ها تزئینات هندسی است(Decardi, ۱۹۵۱:۶۵). دومین نوع سفال این منطقه که کاوشگران آن را ســـفال لوندو (Londo) نام گذاری کرده اند، نوعی نوعی ســـفال منقوش است، که علاوه بر نقوش هندسی یاد شـــده، نقوش حیوانات از جمله نوعی سفال منقوش است که علاوه بر نقوش هندسی یاد شـــده، نقوش حیوانات از جمله اسب و بز کوهی بر روی آن ها دیده می شود. این گونه سفال در تمام موارد، مشخصه سفال غرب پاکستان اســـت و بیشتر محققان آن را با سفال هزاره دوم اشـــتباه کرده انـــد(fairservis, ۱۹۵۶:۷۹). سومین گروه ســـفال های شناسایی شـــده، سفال نارنجی ظریف منقوش اســـت با ســـطحی صاف و صیقلی، شامل جام ها و ســـاغرهای بلند با پســـتی و بلندی روی ان ها که بعضی از محققان معتقدند منشا هندی دارد(سید سجادی، ۲۳۴:۱۳۷۴).

با توجه به پیدا شدن یک سکه مسی در یکی از قبور محوطه دمبی کوه در منطقه بلوچســـتان متعلق به سناتروک (۷۰-۷۷) میلادی توسط اشتاین در سال ۱۹۳۷، دیگر هیچ یک از این گورســـتان ها مورد کاوش قرار نگرفتند. تنها شاهد ما از هـــزاره اول به این ســـوی در قبرهای ســـنگی دامب کوه است که اشتین با تردید بســـیارآن را پیش از تاریخ می داند(Stein, ۱۹۳۷:۲۴۵) و کارلوفســـکی ســـفال های همانند سفال های این قبرستان را از لایه بالایی تپه یحیی به دست آورده است و آنها را اشـــکانی- ساسانی می داند (Karlovsky, ۱۹۶۶:۲۵۷)و بئاتریس دکارتی همین گونه سفال را لوندو شناســـانده و از هزاره اول پیش از میلاد می داند(Decardi, ۱۹۵۱:۶۵) این گونه ســـفال دارای خمیره قرمز رنگ وپوشـــش غلیظ اخرایی است وروی آن نقش های زیادی از جمله اســـب،مارپیچ های یونانی و... دیده می شود وگاه با دورنگ ســـیاه وسفید تزیین می شده اســـت. بر همین اســـاس و با در نظر آوردن این مطلب که بسیاری از این نمونه ســـفالها از قبور سنگی وخرپشته ای که بیشتر آنها را به هزاره دوم مرتبط می دانند به دست آمده است بنابراین باید این نظر را گفت که بسیاری از این گورها در حقیقت مربوط به دوره اشکانی در منطقه و زمانی است که آیین مزدیســـنا در داخل فلات ایران گسترش می یابد وسنت خاکســـپاری مردگان در خاک ناشایست می گردد واین نوع تدفین در منطقه با توجه به کوهســـتانی بودن و سنگلاخی بودن مورد پذیرش واقع می شود.

متاســـفانه به علت عدم کاوش در این قبـــور نمی توان تاریخ دقیق و مطلق برای آن ها پیشـــنهاد کرد ولی با توجه به داده های فرهنگی ســـطحی همچون سفال، می توان چنین ارزیابی کرد که تمامی ســـفال های یافته شـــده از محوطه ها به اســـتثنای تعداد محدودی، با توجه به ویژگی های ظاهری و گونه شناختی که در قســـمت بعدی به ان اشـــاره میکنیم، نگارندگان معتقدند که این سنت تدفین در بلوچستان متعلق به دوران حکومت پارت ها در این منطقه می باشـــد و می توان گاهنـــگاری این گورســـتان ها را به

اشکانیان نسبت داد.
در بررسی باستان شناختی که در شهرستان های نیکشهر و چابهار در بلوچستان صورت گرفت، تعداد ۲۵ محوطه دارای تدفین های اشکانی شناسایی شد که ۲۰ محوطه دارای سفال و ۵ محوطه آن فاقد سفال و هر گونه داده فرهنگی بود. مجموعا از این محوطه ها ۱۷۰ قطعه سفال به صورت تصادفی برداشت گردید که به شرح زیر طبقهبندی میشوند:
الف) سفالهای لعابدار: این سفالها که بیشترین نمونهها را شامل میشوند دارای لعابهای سبز و آبی از نوع لعابهای دوران اشکانی هستند. خمیره این سفالها نخودی میباشد.
ب) سفالهای چرخساز با خمیره قرمز آجری
ج) سفال لوندو
د) سفال بدون لعاب ساده
از آن جایی که هدف ما در مطالعه حاضر، گاهنگاری این محوطهها براساس مقایسه گونهشناختی سفالهای سطحی و شناخت ویژگیهای سفال این ناحیه بود، به متغیرهای سفال اهمیت بیشتری داده شد. کلیه سفالهای گردآوری شده از هر یک از محوطهها، از نظر شکل لبه، فرم ظرف، نوع تزیین، نقش مایه، طرح نقش، شاموت و رنگ خمیره مقایسه شد.
بیشتر سفالهای مکشوفه از محوطه ی گورستان ها، را سفالهای ساده اشکانی تشکیل میدهد که دارای هیچ گونه نقش مایه و تزیینی نیستند. رنگ خمیره سفالهای این دوره شامل رنگ نخودی، قرمز آجری، آجری، قرمز، نارنجی و قهوهای تیره میباشد. البته رنگ خمیره بیشتر سفالها متمایل به طیف قرمز بوده است. سفالگران این دوران عموما ظروف ساخته شده را با انواع پوششها و با رنگهای مختلف میپوشاندند و می آراستند. تلاش در جهت ارضا چنین حسی سبب ابداع پوششهایی با رنگ نخودی، قرمز، قهوه ای، آجری، قرمزآجری و نارنجی شده است. البته برخی سفا ها به صورت خودرویه هستند. از اشکال شاخص این گروه میتوان به کاسههای دهانه گشاد، قدح، جام و پیاله اشاره نمود.(شکل ۸ و لوحه ۱)
شیوههای تزیینی شامل نقش کنده، داغدار (صیقلی)، افزوده، استامپی و منقوش است و نقشمایه این تزیینات به صورت اشکال هندسی میباشد. یکی از نقوش تزیینی که بر روی سفالهای این دوره به کرات مشاهده میشود، خطوط افقی داغدار است که به موازات یکدیگر در سطح خارجی ظروف سفالین مشاهده میشود، گاهی اوقات این تزیین را میتوان در سطح داخلی ظروف هم مشاهده نمود. (شکل ۹ و لوحه ۲) البته بیشتر در مورد ظروف دهانه گشاد همانند کاسه ها صادق است. ظروفی که دهانهی آن تنگ است و داخل ظروف قابل مشاهده نیست این تزیین در سطح خارجی آن ها دیده میشود. بسیاری از فرم ظروف با مناطقی که دارای سفالهای تاریخی هستند قابل مقایسه بوده ولیکن برخی از فرمها مخصوص این منطقه است و آنها را باید در گروه سفالهای محلی بلوچستان قرار داد (شکل ۱۰ و لوحه ۳)
از آن جایی که هدف ما در مطالعه حاضر، گاهنگاری این محوطه ها براساس مقایسه گونه شناختی سفال های سطحی و شناخت ویژگی های سفال این ناحیه بود، به متغیرهای سفال اهمیت بیشتری داده شد. به منظور ریخت شناسی و سنجش زمانی سفال های گردآوری شده، محوطه های حفاری شده در اولویت قرار گرفت و نتایج محوطه های بررسی شده در درجه دوم اهمیت قرار داده شد. بعد از این مرحله، نمونهها گونهشناسی و سپس گونهشناختی شدند. در مرحله گونهشناختی، نمونههای سفالین با سفالینههای محوطههای شاخص دوره اشکانی که در ادامه به آن خواهیم پرداخت مورد مقایسه قرار گرفتند در این مقایسات سعی شد تا محوطههای حفاری شده در اولویت قرار بگیرند و نتایج محوطههای بررسی شده در درجه دوم اهمیت قرار داده شد.
نمونه سفال های بدست آمده از سطح محوطه ها، به طور کلی با نمونه هایی از محوطه های دوران اشکانی در ایران همچون، هگمتانه (آذرنوش،۱۳۸۶)، نوشیجان (Stronach,۱۹۶۹)، تپه گوری سیستان (مهرآفرین،۱۲۵:۱۳۸۶)، قلعه یزدگرد (Keall,۱۹۸۱)، ماهنشان زنجان(خسروزاده و عالی،۱۳۸۶)، سلوکیه(Debveoise,۱۹۳۴)، بیستون(Kleiss,۱۹۷۰:Ab.۲۶,no.۲۹) ، بندیان درگز (رهبر،۱۳۸۵)، قلعه سام (هرینگ،۱۳۷۶) خورهه (رهبر،:۱۳۸۲)، شیمان متعلق به دوره اشکانی(Kennet,۲۰۰۲) و ملیان(Alden,۱۹۷۸) مورد مقایسه گونه شناختی قرار گرفتند که تشابهات فرهنگی میان نمونه های بدست آمده از بررسی و نمونه های یاد شده، نشان از اشکانی بودن نمونه های سفالین و محوطه های شناسایی شده در بلوچستان دارد.

پیشنهادات

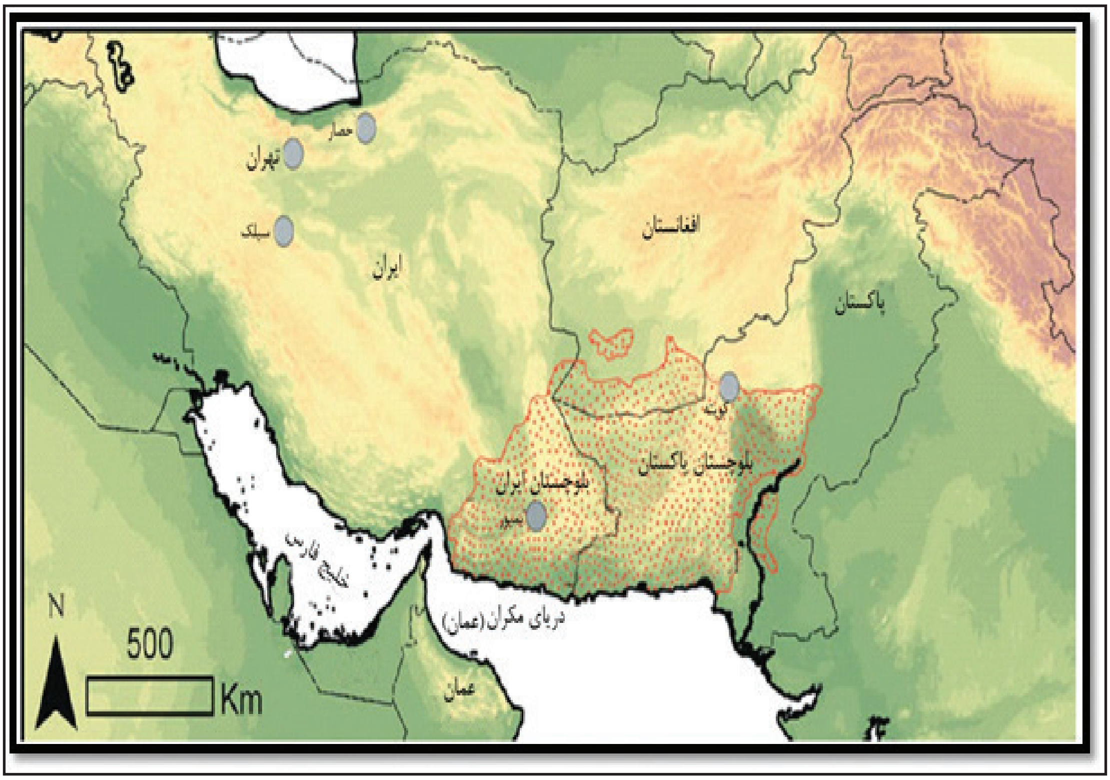
بر اساس اطلاعات فراهم شده مذکور می توان اذعان داشت که خلاء کمبود آگاهی ما از تاریخگذاری مطلق تدفین های سنگی بلوچستان، می تواند با کاوش های باستان شناسی روشن شود، زیرا پژوهش های انجام شده

در چارچوب این پژوهش موضوع را روشن ساخت، بنابراین می توان پیشنهاد داد:
بررسی های باستان شناختی روشـــمند در تمامی مناطق بلوچستان و کاوش در محوطه های شاخص دارای تدفین های سنگی می تواند، آگاهی ما از آثار بر جای مانده ای که درون قبور قرار دارد را روشن سازد.
انجام آزمایش های شـــیمیایی دقیق در آزمایشـــگاه های مجهز بر روی نمونه های ســـفالین مکشوفه از درون قبور، می تواند تاریخگذاری مطلق و قابل استنادی را از محوطه ها و ســـفال ها ارائه نماید. شناســـایی الگوی استقرار این قبور در نقاط مختلف ایران و گونه شـــناختی و مقایسه آنها با یکدیگر جهت آشکار شدن سبک های ساختاری متفاوت آنها، می تواند بـــه ارزیابی دقیق تر کمک کند. شـــناخت ساختارها و روند تحولات اجتماعی جامعه در دوره پارتیان در منطقه جنوب شـــرق ایران بویژه در کاوش محوطه ها می تواند پاســـخگوی نقش و تاثیر مذهب در چگونگی به خاکســـپاری اجســـاد و تاثیر طبقات اجتماعی بر شیوهای مختلف تدفین باشد

نتیجه گیری

بنابر تحقیقات و کاوشـــهای باستانشناســـی در ایران نیز از دورانهای پیـــش از تاریخ شـــیوههای تدفین گوناگونی بکار گرفته شـــده اســـت، در دوران تاریخی نیز روشهای دفن مـــردگان ویژگیهـــای خاصی دارد به طـــور مثال، در دوران حکومت اشـــکانیان بخاطر دلایلی همچون ملوک الطوایفی بودن حاکمیت، وجود مذاهب گوناگون و وسعت قلمرو حکومت، شـــیوههای متنوعی جهت دفن مردگان بکار گرفته شده که در مناطق مختلف ایران بسیار متفاوت اســـت. آیین به خاکســـپاری در گذشـــتگان ، رابطهٔ کاملاً مستقیمی با شـــیوهٔ تفکر مذهبی اقوام دارد . پیروان ادیان گوناگون دســـتورات خاصی برای تدفیـــن دارند دردوران اشکانی با توجه به تعداد مذاهب ، شاهد شیوه های متنوع و متعدد تدفین هســـتیم . در واقع یکی از دلایلی که محققان را بر این نظر معتقد کرده اســـت که دراین دوران آزادیهای مذهبی زیادی وجود داشـــته ، وجود روشـــهای گوناگون تدفین است
در منطقه بلوچســـتان ایران و به طور خاص حوزه مکران جنوبی ، بنابر بررســـی ها و پژوهش های انجام شـــده و با توجه به اســـناد و مدارک ارائه شـــده می توان چنین نتیجه گرفت، شیوه تدفین اشکانی در منطقه بلوچستان، بصورت گورهای سنگی موسوم به دمبی است، این قبور از انباشت قلوه ســـنگ های رودخانه ای به رنگ های ســـیاه و سفید به صورت نامنظم تشکیل شده اســـت و ارتفاع آن ها بین ۱ تا ۱٫۵ متر متغیر اســـت. فرم قبور سنگی به دو دسته کلی مربع و مدور تقسیم می شـــود البته در موارد اندکی هم فرم این قبور بیضی است و در ســـاختمان آن ها از سنگ های موجود در محل، بدون هیچ ملاتی اســـتفاده شـــده است. این قبور از نظر ساختمانی به دو روش مختلف ساخته شده اند: مربع و مدور. تمامی گورها با سنگهای متورقی ساخته شده است که بصورت طبیعی در خود محل یافت می‌شوند. همهٔ گورها مســـقف بوده، اما فقط نمونه‌های کمی ســـالم باقی مانده و اکثراً سقف آنها در گذر زمان فرو ریخته است. برخی از گورها دارای ورودی می‌باشد. عرض دهانهٔ ورودی بین ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر متغیر اســـت. ارتفاع ورودی نیز بین ۵۰ تا ۷۰ ســـانتی‌متر می‌باشـــد. درباره این گونه تدفین ها نگارندگان معتقدند؛ عامل مذهب نقش بســـیار مهمی در پیدایش این نوع شـــیوه تدفین دارد و نشان از تفاوت هایی فرهنگی در ایران باستان دارد.

در طی بررســـی باســـتان شـــناختی در شهرستان های نیکشهر و چابهار، در اطراف اکثر قبور، نمونه های متعددی از ســـفال کشـــف و ثبت گردید و هیچ گونـــه داده منقول فرهنگی به جز سفال بدســـت نیامد. سفال های مکشوفه از این مناطق بطور کلی به ســـه دسته تقسـیـم می شود: اولین گروه ســـفال های این حوزه، معمولا منقوش بوده و گاهی یک رنگ یا دو رنگ و از لحاظ تکنیک ســـاخت، از ظرافت قابل توجهی برخوردار است. بدنه سفال با پوشش لعاب گلی نخودی و نقش های ســـیاه یا قرمز تزیین شده که لوزی هاف خطوط زیگزاگ و نقش های خطی نردبانی موضوع این نوع ســـفال ها تزئینات هندسی است. دومین نوع سفال این منطقه که کاوشگران آن را سفال لوندو نام گذاری کرده اند، نوعی ســـفال منقوش است، که علاوه بر نقوش هندسی یاد شـــده، نقوش حیوانات از جمله اسب و بز کوهی بر روی آن ها دیده می شود. سومین گروه سفال های شناسایی شده، سفال نارنجی ظریف منقوش است با سطحی صاف و صیقلی، شـــامل جام ها و ساغرهای بلند با پستی و بلندی روی بدنه آن هاست. درباره شرایط زیست محیطی و تاثیر آن بر پراکندگی الگوی استقرار قبور، به طور قطع می توان اذعان کرد که عامل آب و وجود کوهســـتان های صخره ای، نقش عمـــده ای در پراکندگی این نوع از شیوه تدفین داشته است و با دقت بیشتر در کشور پاکستان و عمان در میابیم که تمامی این گورســـتان ها در مجاورت منابع آب قـــرار گرفته و همچنین وجود کوهســـتان های بســـیار در کنار آن ها از ویژگی های دیگـــر اکولوژیکی در نحوه پراکنش قبرستان ها می باشد.



شکل ۱-: نقشه ایران و محدوده بلوچستان ایران و پاکستان و عمان (De Cardi, ۲۰۰۸: fig. ۲)



شکل ۲- نقشه پراکندگی محوطه های تدفین سنگی در نیکشهر و چابهار (منبع: Google Earth)

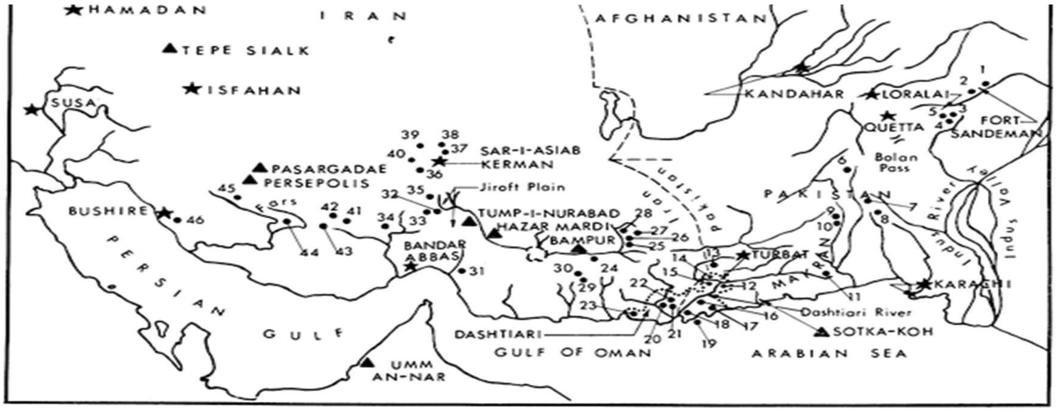


Fig. 3 - Distribution of cairns.

CAIRN BURIAL SITES

1 Periano Ghundai
2 Moghul Ghundai
3 Chaperkai Hill
4 Tordherai
5 Sur Jangal
6 Zayak
7 Nal Village
8 Panju Damb
9 Nokjo Shahdinzai
10 Mazena Damb
11 Kulli Damb
12 Zangian
13 Bit (Buleda Valley)
14 Kalatuk
15 Nasirabad
16 Suntsar
17 Gatti
18 Jiwanri
19 Take Dap
20 Basot
21 Dambah Koh
22 Ruhgam
23 Tiz
24 near Khurab
25 Murtan
26 Baghshat
27 Sahigan
28 Kamsaptar
29 Damban
30 Rampk
31 Birinti
32 Damel
33 Darra-Shor
34 Hajjiabad
35 Tump-i-Gabarha
36 Chil-Gabri
37 Sar-i-Asiab
38 Chah Darut
39 Zarand
40 Rafshan (Dakhmai Gabar)
41 Naksh-i-Rustam
42 Dogan
43 Bishezard
44 Asmangird
45 Fattehabad
46 Bushire

نقشه پراکندگی قبور سنگی در جنوب شرق ایران و پاکستان و عمان (Karlovsky, ۱۹۶۷).



شکل ۱- قبور ستگی چهار گوش (محوطه دمبان)



شکل ۲-قبور سنگی مدور(محوطه قبرستان توتان)





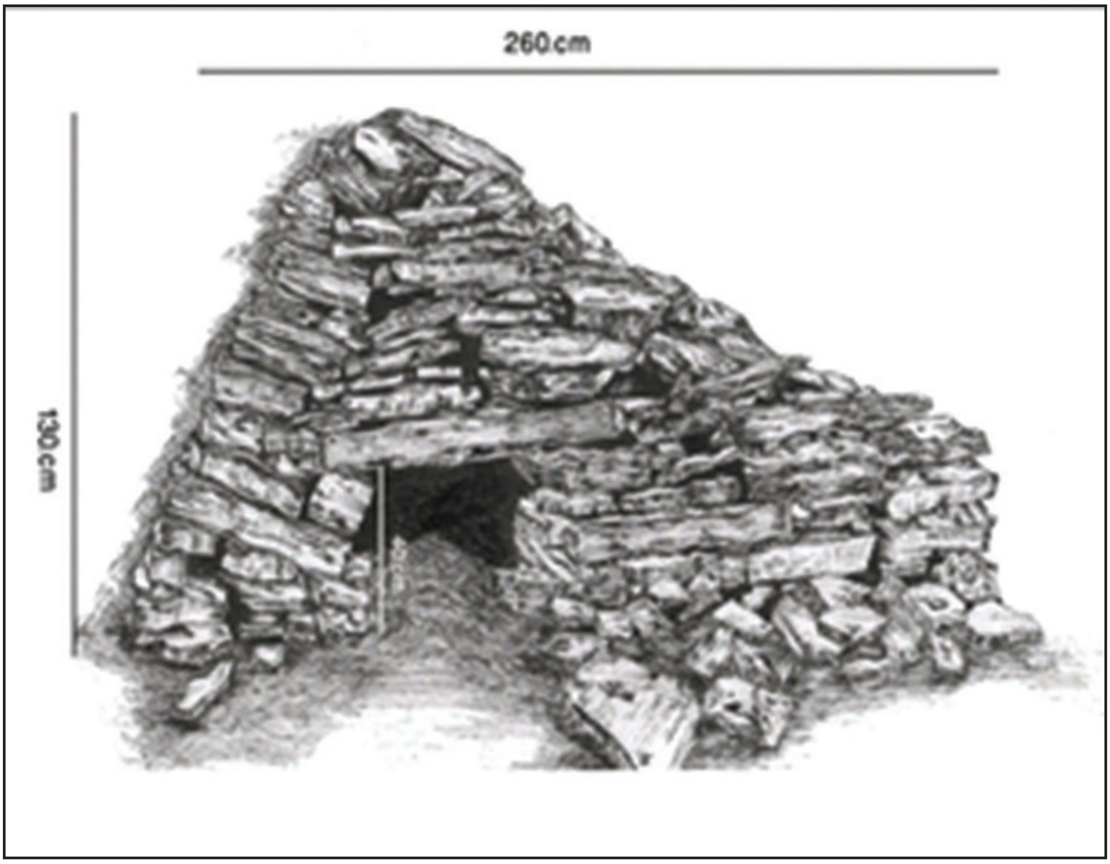
شکل ۳ و ٤-قبور سنگی نامنظم و ساده (محوطه قبرستان چیدگی)





شکل ٤-قبور سنگی منظم با آثار در ورودی و دیوار (محوطه قبرستان کوپانسر)

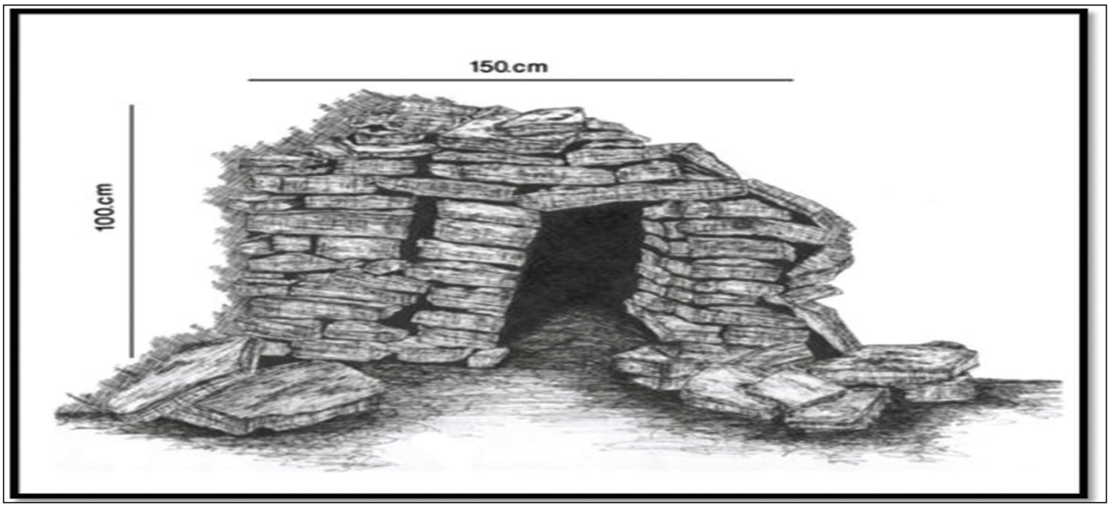




شکل ۵- عکس و طرح یکی از قبور نیمه سالم(محوطه دمب کوه)



شکل ٦- آثار ورودی در یکی از قبور سنگی(محوطه دمب کوه)



شکل ۷- طرح نقاشی شده از قسمت ورودی یکی از قبور سنگی (محوطه دمب کوه)



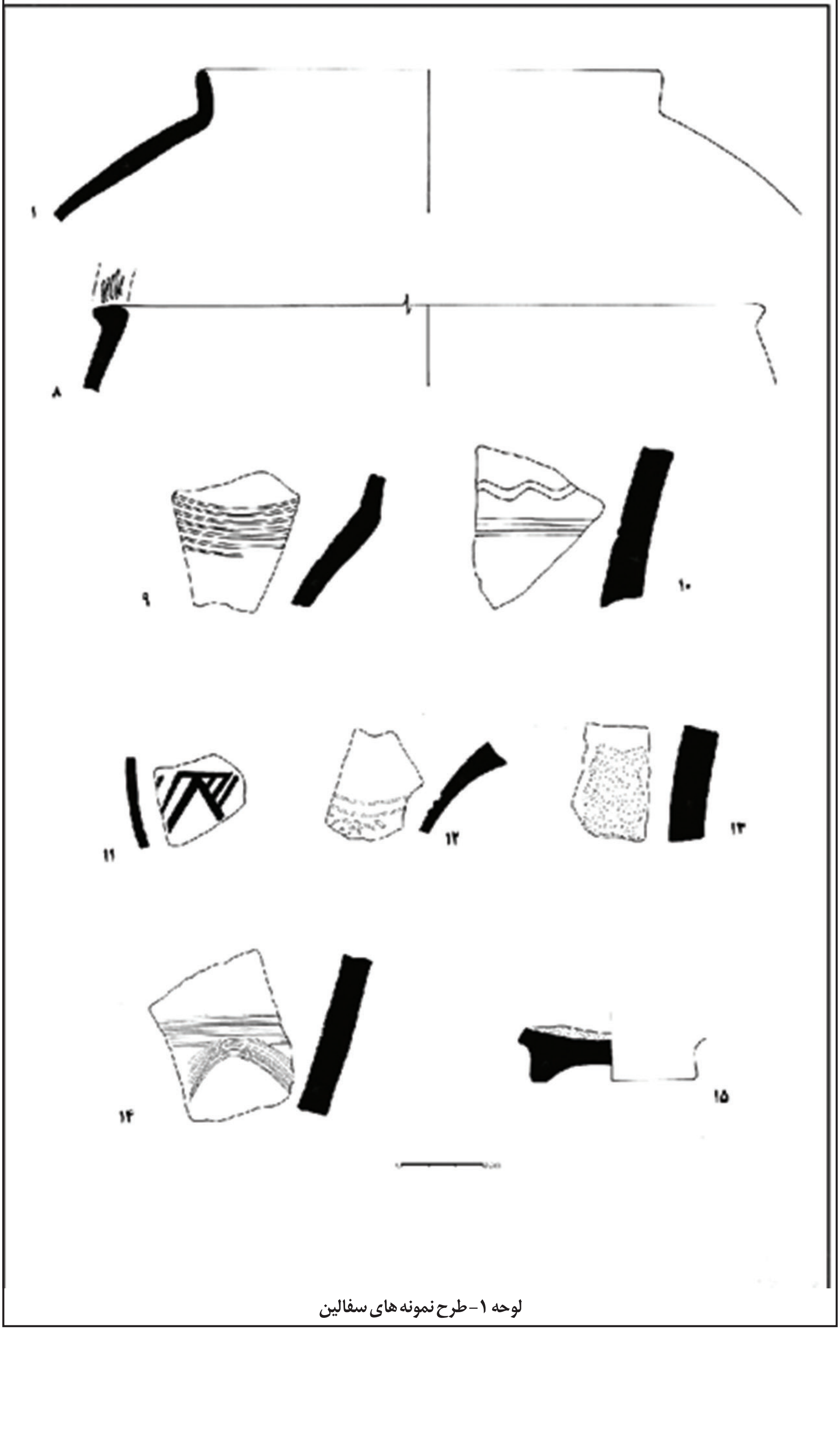
شکل ۸- مجوعه ای از نمونه های سفالین جمع آوری شده



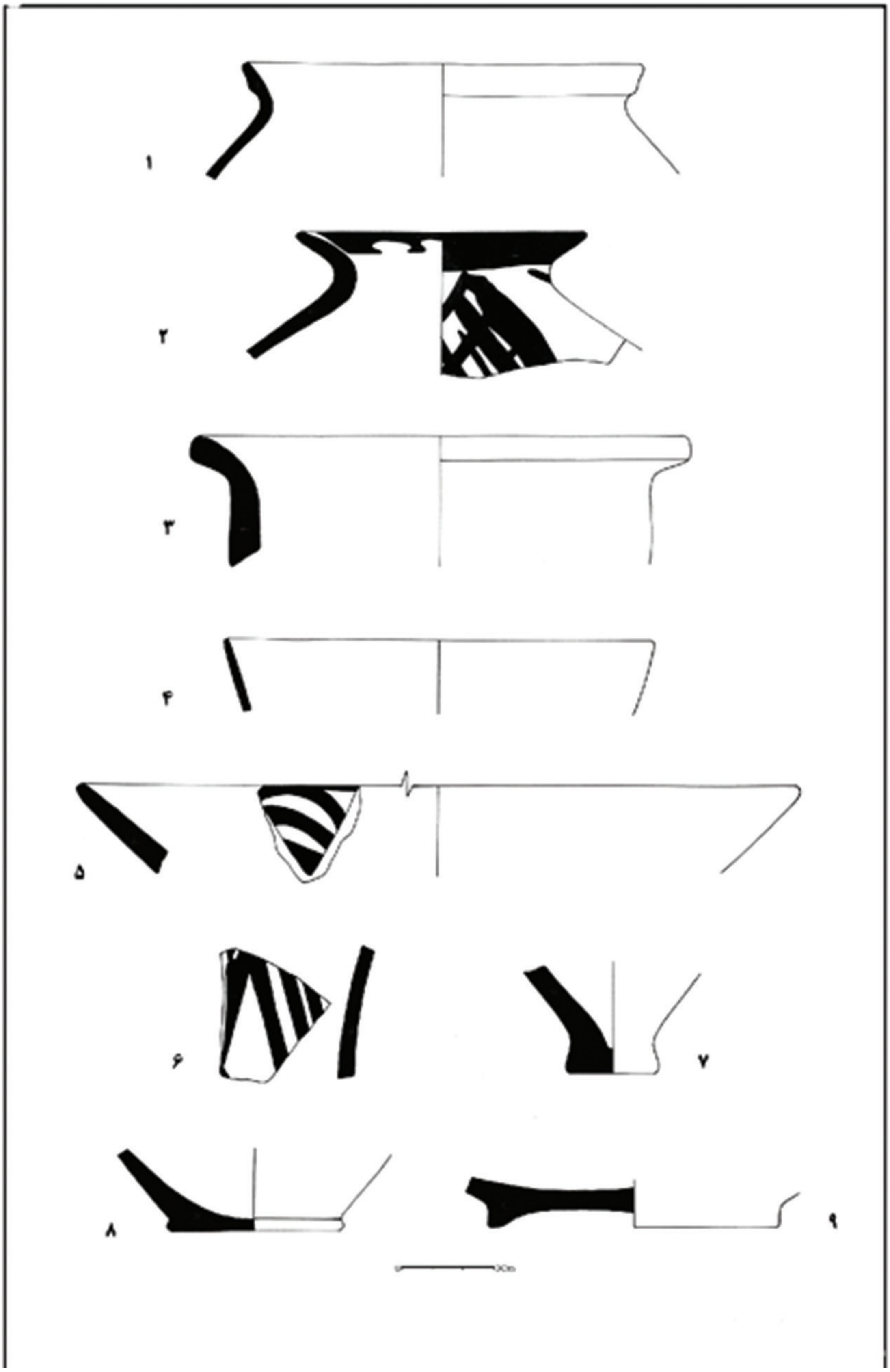
شکل ۹- مجوعه ای از نمونه های سفالین جمع آوری شده



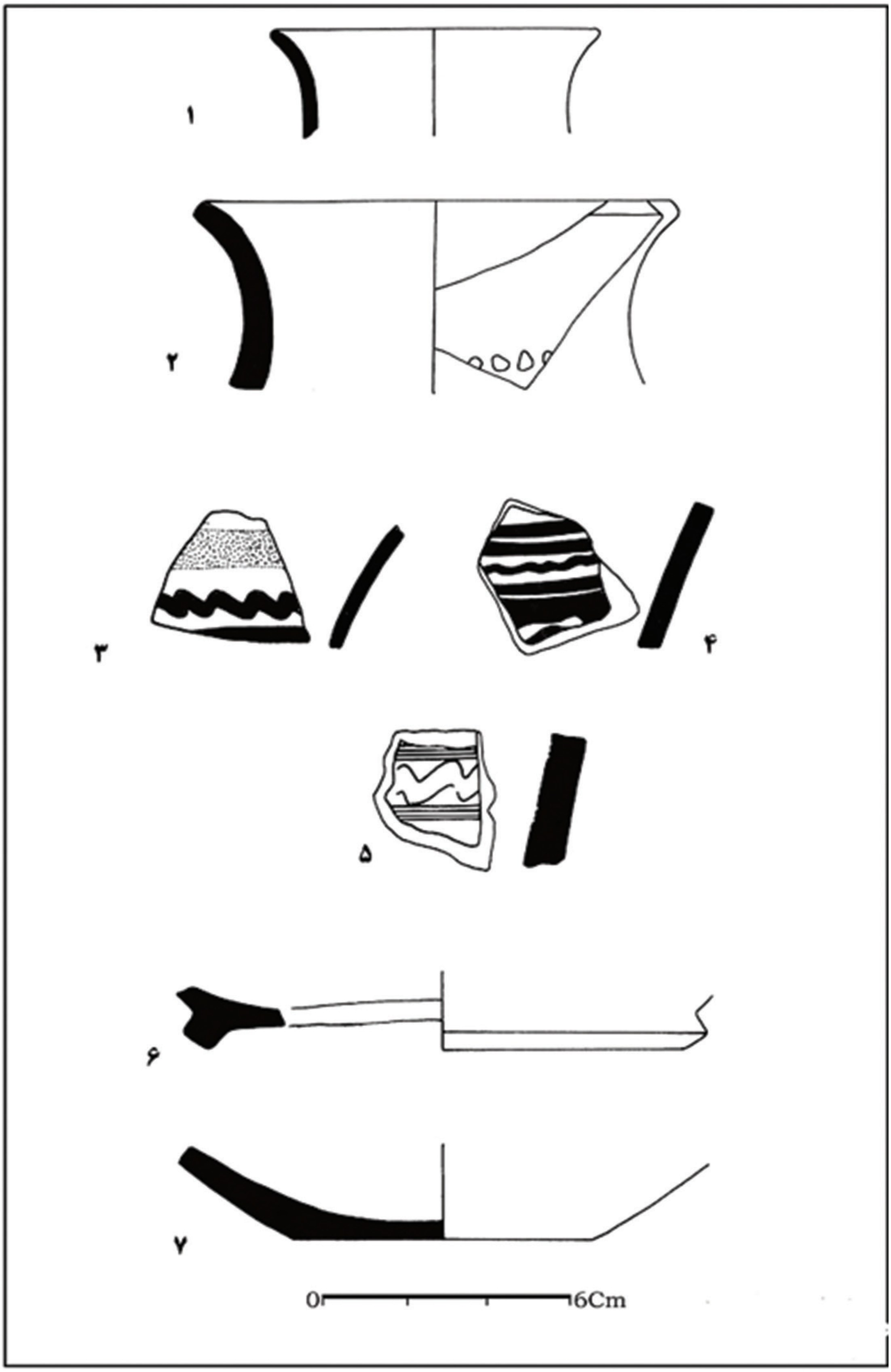
شکل ۱۰- مجوعه ای از نمونه های سفالین جمع آوری شده



لوحه ۱- طرح نمونه های سفالین



لوحه ۲- طرح نمونه های سفالین



لوحه ۳- طرح نمونه های سفالین

منابع

– آذرنوش،مســـعود (۱۳۸۶). گزارش مقدماتی کاوش های لایه شـــناختی تپه ی هگمتانه همدان، گزارش های باستان شناسی ۷ (مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
– سعیدی هرســـینی، محمد رضا (۱۳۷۵). شـــیوه های تدفین پارت، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشـــته باستان شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس،
– سید سجادی، سید منصور (۱۳۷۴). باستان شناسی و تاریخ بلوچستان (هشت گفتار)، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
– شیرازی، روح الله (۱۳۸۸). گزارش مقدماتی بررسی شهر ستان نیک شهر، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان..
– شیرازی، روح الله،، گزارش مقدماتی بررسی شهر ســـتان چابهار، محفوظ در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان،(۱۳۸۹.)
–رهبر، مهدی (۱۳۸۱). گزارش بررسی باستان شناسی دره بمپور، گروه باســـتان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ نشده محفوظ در آرشیو دانشگاه سیستان و بلوچستان.
– رهبر، مهدی (۱۳۸۲). کاوش های باستان شناسی خورهه، تهران: مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی.
– مهرآفرین، رضا (۱۳۸۶). حفاری و گمانه زنی تپه گوری سیستان ، چاپ نشده.
– محمدی فر، یعقوب (۱۳۸۸). باستان شناسی و هنر اشکانی، تهران: انتشارات سمت.
– خســـروزاده علیرضا و عالی ابوالفضل (۱۳۸۳). توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان)، مجموعه مقالات همایش شمال غرب، تهران، پژوهشکده باستان شناسی.
– هرنیک، ارنی (۱۳۷۶). سفال ایران در دوره اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، چاپ اول، تهران: انتشارات نشر.

Alden, Jhon. R. (1978). Excavation At – I Malyan, Iran, × vi .
Debevois,Neilson C. (1934). Parthian Pottery From Seleucia On The Tigris, Univirsity Of Michigan Press .
Decardi, B. (1951). A new prehistoric ware from Baluchistan , Iraq, vol. XIII , pp. 63-74.
(1968). Excavation at Bampur, S.E Iran: A Brief Report , Iran, vol. VII , pp. 135-155.
. (1970). Excavation at Bampur, a Third Millennium in Persian Baluchistan (1966), Anthropological Papers of the American Museum of Natural History, New York,
Fairservis, W. A. (1956). Excavation in the Quetta Valley, west Pakistan, Volume 45, Part 2, Anthropological papers of the American museum of natural history, New York.
Fairservis,JR.W. (1961). Archaeology Studies In The Sistan Basin Of South-Western Afghanistan And Eastern Iran, Vol 48, part 1, Newyork,
Keall, Edward and Keall Margueritey, (1981). The Qaleh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach Iran, vol X IX .
Kleiss, Wolfram, (1973). Qaleh,Zohak,In,Azerbaijan, AMI.6.
Karlovsky, c.c. (1972). Tepe Yahya 1971: Mesopotamia and Indo Iranian borderlands, Iran X, pp. 89-101.
Karlovsky, c.c. (1967). The carin burial in Southeastern Iran, Est and West 18, pp. 257-269
Kennet Derek, (2002). 'Sasanian Pottery In Southern Iran and Eastern Arabia Iran, vol X L.
Stein, A. (1937). Archaeological Reconnaissances In North-Western India and South-Eastern Iran, London.
- Stronach, David, Ecavation At Tepe Nush- I Jan 1967, Iran vii ,1969